گزارش یک

مهسا گربندی

مطالبه ۲۷ ساله مددکاران اجتماعی برای حضور در مدارس همچنان بی‌پاسخ مانده است

دانش‌آموز بی‌پناه، مدرسه بی‌مددکار!

درد که یکی، دو تا نیست! مدارس با کلاس‌های شلوغ، کمبود معلم و نبود امکانات کافی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حالا تصور کنید در همین مدرسه شلوغ، دانش‌آموز یا دانش‌آموزانی هم باشند که در خانه یا حتی در کلاس درس، قربانی خشونت و آزار شده‌اند. حال آنها دردشان را به چه کسی بگویند؟ چه کسی قرار است صدایشان را بشنود و دستشان را بگیرد؟

تصور کنید معلمی را که باید حواسش به ۳۳ دانش‌آموز باشد، یکی با همکلاسی‌اش درگیر شده، یکی به درس گوش نمی‌دهد و دیگری گوشه کلاس خوراکی‌اش را می‌خورد. در چنین شرایطی معلم، هم باید درس بدهد، هم کلاس را آرام کند، هم از برنامه آموزشی عقب نماند و هم مراقب تک‌تک بچه‌ها باشد. اصلاً فرصتی می‌ماند که بفهمد پشت غم یا سکوت طولانی همین دانش‌آموزان چه دردی پنهان شده است؟!

تازه اگر معلم خودش صبور باشد و در هیاهوی کلاس کنترلش را از دست ندهد! اگر خستگی و فشار کار باعث نشود با یک جمله تحقیرآمیز، فریادی بلند یا برخوردی تند، زخمی تازه به دل دانش‌آموز اضافه کند. دانش‌آموزی که شاید پیش از ورود به کلاس هم به‌اندازه کافی زخم خورده باشد.

معاون مدرسه هم اوضاع بهتری ندارد! یک حیاط شلوغ با چندصد دانش‌آموز که باید مراقب باشد به هم آسیب نزنند. یک روز دعوای بچه‌ها، روز دیگر شکایت خانواده‌ها و روز بعد هم رسیدگی به هزار مسئله دیگر. مدیر هم درگیر بخشنامه‌ها و مسائل اجرایی مدرسه است. معلم درگیر درس و کلاس است، معاون دنبال برقراری نظم و مدیر مشغول اداره مدرسه؛ پس چه کسی حواسش به درد دانش‌آموز است؟ پاسخ واضح و روشن است؛ هیچ‌کس!

دانش‌آموزی که شاید در خانه کتک می‌خورد، در مدرسه تحقیر می‌شود، از کسی می‌ترسد یا حتی نمی‌داند چطور باید درباره آنچه بر او گذشته حرف بزند. اگر جرئت کند و دردش را بگوید، چه کسی قرار است حرفش را بشنود؟ چه کسی پیگیر وضعیتش شود؟ چه کسی امنیتش را تضمین کند؟ دانش‌آموزی که از معلمش زخم خورده و تحقیر شده یا حتی کتک خورده باشد چگونه باید از حق خودش دفاع کند؟!

گاهی کودک یا نوجوان، نه در خانه پناهی دارد و نه در مدرسه کسی را که بتواند به او اعتماد کند. اینجاست که درد فقط خشونتی نیست که تجربه کرده، بلکه تنهایی او در پیدا کردن یک راه نجات هم هست!

بدون شک، مدرسه نیروی متخصصی برای دیدن این زخم‌های پنهان می‌خواهد، کسی که شغلش فقط شنیدن نباشد، بتواند مداخله کند، حمایت کند و تا حل مشکل کنار دانش‌آموز بماند. کسی که حتی از اعضای کادر مدرسه نباشد و به اصطلاح بتواند مو را از ماست بیرون بکشد. کسی که بتواند به بچه‌ها یاد بدهد چگونه محترمانه از حق و حقوق خودشان دفاع کنند، حرف بزنند و احساساتشان را بیان کنند. جای چنین کسی در مدارس خالی است، جای مددکار اجتماعی.



■ ۲۷ سال انتظار پشت در مدرسه

شناسایی کودکان آسیب‌دیده، مداخله در موقعیت‌های خشونت‌آمیز و پیگیری وضعیت دانش‌آموزان در معرض خطر، کاری تخصصی است که نمی‌توان آن را به زمان محدود معلمان و کادر اجرایی مدارس واگذار کرد. مدرسه برای چنین مأموریتی به نیرویی نیاز دارد که نه درگیر تدریس باشد، نه مسئول برقراری نظم و نه گرفتار بخشنامه‌ها، کسی که وظیفه‌اش دیدن دانش‌آموز، شنیدن حرف‌های ناگفته او و پیدا کردن راهی برای حمایت از او باشد.

این مطالبه اما تازه نیست. ماجرا به سال‌ها قبل برمی‌گردد، به زمانی که ضرورت حضور مددکاران اجتماعی در مدارس مطرح شد، اما هنوز هم جای این متخصصان در بسیاری از مدارس خالی است.

به تازگی سیدحسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران از مطالبه‌ای می‌گوید که دست‌کم ۲۷ سال است روی زمین مانده است. او با اشاره به سابقه فعالیت حرفه‌ای خود در حوزه مددکاری اجتماعی گفت: «از زمان تأسیس اورژانس اجتماعی در سال ۱۳۷۸، چه در مسئولیت‌های اداری و چه در جایگاه انجمن مددکاران اجتماعی، همواره ضرورت حضور مددکاران در مدارس را مطرح کرده است.»

موسوی‌چلک حتی به تجربه‌ای در سال ۱۳۸۰ اشاره می‌کند، زمانی که کتاب «کودک‌آزاری» را با همکاری چند تن از متخصصان این حوزه تألیف کرد. او در این رابطه توضیح داد: «این کتاب اساساً با هدف استفاده در مدارس نوشته شده بود، اما به دلایلی امکان فعالیت در این محیط فراهم نشد و در نهایت خارج از فضای مدرسه منتشر شد.» مطالبه‌ای که به گفته رئیس انجمن مددکاران اجتماعی، در نشست‌های تخصصی، مکاتبات، همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی بارها مطرح شده، اما هنوز به مرحله اجرا نرسیده است.

■ یک مددکار در مدرسه چه می‌کند؟

حضور مددکار اجتماعی در مدرسه فقط به معنای اضافه شدن یک نیروی انسانی به کادر آموزشی نیست. تفاوت اصلی در وظیفه‌ای است که برعهده می‌گیرد؛ شناسایی دانش‌آموز در معرض خطر، مداخله اولیه، ارتباط با خانواده، ارجاع به نهادهای حمایتی و مهم‌تر از همه، پیگیری وضعیت کودک تا رسیدن به شرایط امن.

موسوی‌چلک معتقد است: «اگر مددکار اجتماعی در مدرسه مستقر باشد، به‌محض شناسایی دانش‌آموز در معرض خطر می‌تواند مداخله اولیه را انجام دهد، با خانواده ارتباط بگیرد و در صورت نیاز، کودک را به منابع حمایتی مانند اورژانس اجتماعی ارجاع دهد.»

او توضیح می‌دهد: «در مواردی که کودک بدسرپرست یا بی‌سرپرست است و خانواده توان فراهم کردن شرایط امن برای او را ندارد، امکان استفاده از مراکز نگهداری کودکان در سازمان بهزیستی نیز وجود دارد.»

به گفته رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، گاهی حتی خود کودک یا اطرافیانش هم برای گزارش خشونت اقدامی نمی‌کنند. ترس از پیامدهای افشای ماجرا، نگرانی از درگیر شدن در مشکلات بعدی یا ناآگاهی از مسیرهای حمایتی، می‌تواند باعث شود آسیب‌ها پنهان بمانند، حتی ممکن است افرادی در مدرسه شاهد قرار گرفتن یک کودک در معرض خشونت باشند، اما به دلیل همین نگرانی‌ها سکوت کنند.

اینجاست که حضور یک مددکار اجتماعی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. حضور فردی که بتواند نشانه‌های خطر را شناسایی کند، راه گفت‌وگو با کودک را بلد باشد و صرفاً به شنیدن یک روایت یا ثبت یک شکایت بسنده نکند.

■ پاسخ آموزش و پرورش چیست؟

اما چرا با وجود طرح چندین‌باره این مطالبه، هنوز مددکاران اجتماعی جایی در مدارس ندارند؟ آیا آموزش‌وپرورش با حضور این متخصصان مخالف است یا پای موانع دیگری در میان است؟

هفته گذشته بود که علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش، در نشست خبری خود با اصحاب رسانه و در واکنش به این موضوع، خطاب به انجمن مددکاران اجتماعی ایران، خواست مستندات و اسناد مربوط به این مطالبه را ارائه کند. او در اظهاراتش مخالفت صریحی با حضور مددکاران اجتماعی در مدارس مطرح نکرد.

اما ماجرا فقط به ارائه سند ختم نمی‌شود. موسوی‌چلک در صحبت‌هایش دو مانع اصلی را دلیل محقق‌نشدن این مطالبه دانسته است؛ یکی هزینه بالای استقرار مددکاران اجتماعی در مدارس و دیگری نبود مجوز جذب این نیروها در آموزش‌وپرورش. به بیان دیگر، پس از نزدیک به سه دهه طرح این مطالبه، همچنان کمبود اعتبار و محدودیت‌های استخدامی مانع حضور نیرویی متخصص در مدارس شده است، نیرویی که جای خالی‌اش را بیش از همه، دانش‌آموزان آسیب‌دیده و نیازمند حمایت احساس می‌کنند.

■ وقتی پناهی نیست

تصور کنید دانش‌آموزی را که صبح با ترس و اضطراب از خانه بیرون آمده، شاید شب گذشته خشونت دیده، تحقیر شده یا اتفاقی را تجربه کرده که هنوز جرئت گفتنش را ندارد. او به مدرسه می‌آید تا چند ساعتی از فضای پرتنش خانه فاصله بگیرد. اما وقتی در مدرسه هم آسیب ببیند، اگر از سوی معلم یا همکلاسی‌اش خشونت ببیند، باید به چه کسی پناه ببرد؟! خانواده در آن لحظه کنارش نیست، معلم و معاون و مدیر هم میان انبوه مسئولیت‌هایشان گرفتارند. پس چه کسی باید دست این کودک را بگیرد؟!

دانش‌آموز حق دارد در این محیط احساس امنیت کند، دیده شود و اگر آسیبی دید، کسی را داشته باشد که صدایش را بشنود و برای کمک به او قدم بردارد. نمی‌توان از کودکی که هنوز راه دفاع از حقوقش را نمی‌شناسد انتظار داشت خودش به‌تنهایی راه نجاتش را پیدا کند. مدرسه نباید امتداد بی‌پناهی خانه باشد. کودکی که در خانه پناهی ندارد، دست‌کم باید بتواند در مدرسه به کسی تکیه کند، کسی که متوجه دردش شود، سکوتش را جدی بگیرد و پیش از آنکه دیر شود به دادش برسد.

خبر

سرانه فضای ورزشی مدارس به حدود نیم مترمربع افزایش یافت

معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش‌وپرورش، با اشاره به برنامه‌های این معاونت برای توسعه فضاهای ورزشی مدارس گفت: سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزان در زمان تحویل مسئولیت ۳۸ صدم مترمربع بود که با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و بهره‌برداری از فضاهای جدید، به ۴۸ صدم مترمربع افزایش یافته است.

محمد جعفری، معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به برنامه‌های این معاونت برای توسعه فضاهای ورزشی مدارس گفت: سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزان در زمان تحویل مسئولیت ۳۸ صدم مترمربع بود که با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و بهره‌برداری از فضاهای جدید، به ۴۸ صدم مترمربع افزایش یافته است.

وی با تشریح برنامه‌های این معاونت برای افزایش سرانه فضای ورزشی اظهار کرد: در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، تعداد ۲ هزار و ۸۶۲ فضای ورزشی هدف‌گذاری شد که تقریباً تمام این فضاها به بهره‌برداری رسید. همچنین در تفاهم‌نامه‌های منعقدشده با استان‌ها، ایجاد ۳ هزار فضای ورزشی دیگر در دستور کار قرار گرفت که از این تعداد، یک‌هزار و ۵۲۰ فضا همزمان با هفته تربیت‌بدنی افتتاح شد.

جعفری ادامه داد: در اطلس فضاهای ورزشی دانش‌آموزی، وضعیت استان‌ها از نظر سرانه فضای ورزشی مشخص شده است؛ به‌عنوان نمونه، سرانه فضای ورزشی در استان کهگیلویه و بویراحمد حدود یک متر و ۹ صدم مترمربع و در استان البرز ۲۱ صدم مترمربع اعلام شده است. میانگین سرانه کشور نیز در زمان تهیه این اطلس ۴۸ صدم مترمربع بوده و برای نمونه، این رقم در آذربایجان شرقی ۴۴ صدم مترمربع ثبت شده است.

وی همچنین به تأمین تجهیزات ورزشی مدارس اشاره کرد و گفت: سال گذشته نزدیک به نیم‌همت از سوی معاونت تربیت‌بدنی و سلامت برای این موضوع اختصاص یافت و استان‌ها نیز حدود ۲۵۰ میلیارد تومان مشارکت کردند. از استان‌ها خواسته شد نیازهای مناطق و مدارس را به تفکیک اعلام کنند تا تجهیزات مورد نیاز مدارس و مجتمع‌های آموزشی و ورزشی براساس اولویت، به‌ویژه در مناطق محروم تأمین شود.

■ چاقی دانش‌آموزان؛ آمار جدید تا پایان آذر اعلام می‌شود

جعفری سبک زندگی کم‌تحرک و تغذیه ناسالم را از چالش‌های مهم نسل جدید دانست و گفت: امروز بخشی از نوجوانان به نسلی کم‌تحرک تبدیل شده‌اند. نسلی که ساعت‌های زیادی را در وضعیت نشسته سپری می‌کند و استفاده گسترده از تلفن همراه و بازی‌های رایانه‌ای نیز به این وضعیت دامن زده است.

وی افزود: کاهش تحرک بدنی، ضعف مهارت‌های بنیادین حرکتی و پایین بودن سواد حرکتی و بدنی از پیامدهای این شرایط است و در ادامه می‌تواند زمینه‌ساز اضافه‌وزن و چاقی شود. این مسئله فقط به سلامت جسمانی محدود نیست و می‌تواند بر نشاط، امید، سلامت روان و حتی فرایند یادگیری دانش‌آموزان اثر بگذارد. جعفری درباره آخرین وضعیت پایش سلامت دانش‌آموزان گفت: در حال حاضر، دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، هفتم و دهم در فرایند پایش سلامت جسمانی قرار می‌گیرند. این پایش با همکاری مراکز بهداشتی وزارت بهداشت انجام می‌شود و علاوه بر بررسی‌هایی مانند بینایی و شنوایی، شاخص توده بدنی یا همان BMI دانش‌آموزان نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه حدود ۴ میلیون دانش‌آموز در این سه پایه مشمول پایش هستند، اظهار کرد: پیش‌بینی می‌شود اطلاعات این فرایند تا پایان آذرماه تکمیل شود و پس از آن بتوانیم آمار مشخصی از وضعیت اضافه‌وزن و چاقی دانش‌آموزان در پایه‌های چهارم، هفتم و دهم ارائه کنیم.

دانشگاه شریف برای ورودی‌های جدید درس مهارت‌آموزی می‌دهد

رئیس دانشگاه صنعتی شریف از برگزاری اردوی فرهنگی و آموزشی برای دانشجویان ورودی جدید این دانشگاه خبر داد و گفت: برای نخستین‌بار درس مهارت‌آموزی با هدف آشنایی دانشجویان با مهارت‌های نرم و همچنین برنامه‌هایی در حوزه کارآفرینی و فناوری برای این دانشجویان در نظر گرفته شده است.

مسعود تجریشی درباره برنامه‌های دانشگاه صنعتی شریف برای دانشجویان ورودی جدید اظهار داشت: هر سال برای دانشجویان نوورود، اردو برگزار می‌کنیم و امسال نیز با وجود تمام سختی‌ها و محدودیت‌های موجود تلاش کردیم زمینه حضور دانشجویان در اردوی مشهد را فراهم کنیم. وی افزود: در این اردو علاوه بر برنامه‌های فرهنگی، جلساتی با حضور تقریباً تمام استادان دانشجویان ورودی جدید برگزار می‌شود تا استادان درباره آیین‌نامه‌ها، شرایط تحصیل و امکانات و حمایت‌هایی که دانشگاه می‌تواند برای شروع بهتر دوران دانشجویی در اختیار آنها قرار دهد، توضیحاتی ارائه کنند. رئیس دانشگاه صنعتی شریف ادامه داد: جلسات دیگری نیز برای برنامه‌ریزی دروس دانشجویان در نظر گرفته شده است تا بتوانیم تعداد ساعت‌های درسی آنها را در طول هفته مدیریت کنیم. همچنین طول نیمسال تحصیلی را برای این گروه از دانشجویان افزایش داده‌ایم تا از نظر آموزشی با مشکل مواجه نشوند.

تجریشی با بیان اینکه پذیرش دانشجویان بر اساس رتبه‌های آنها انجام شده است، گفت: تمام تلاش ما این است که در کنار مباحث درسی به موضوعات فرهنگی و پرورش مهارت‌های دانشجویان نیز توجه داشته باشیم و به آنها در کسب مهارت‌های مورد نیاز کمک کنیم.

وی خاطرنشان کرد: دانشجویان ورودی جدید نخستین گروهی هستند که در طول دوره تحصیل خود یک درس با عنوان مهارت‌آموزی خواهند داشت تا با مهارت‌های نرم آشنا شوند. رئیس دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به برنامه‌های این دانشگاه در حوزه کارآفرینی و فناوری به ایرنا گفت: برنامه‌هایی نیز در این زمینه داریم تا دانشجویان چشم‌انداز روشن‌تری برای آینده خود داشته باشند و بدانند که مسیر پیش روی آنها صرفاً درس خواندن و سپس کارمند شدن نیست.

تجریشی افزود: تلاش می‌کنیم ظرفیت‌هایی را که دانشگاه در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد، برای شناسایی استعدادها و توانمندی‌های آنان به کار بگیریم تا بتوانند زمینه‌های مورد علاقه و استعدادهای خود را کشف کنند و از فرصت‌های موجود برای ساختن آینده شغلی و حرفه‌ای خود بهره ببرند.

وزیر علوم:

۷۰۰ هکتار زمین برای ساخت مسکن کارکنان دانشگاه‌ها اختصاص یافت

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با بیان اینکه به همه رؤسای دانشگاه‌های کشور اختیار دادیم از محل درآمدهای خصوصی به معیشت کارکنان و اعضای هیئت علمی توجه کنند، گفت: ۷۰۰ هکتار زمین برای ساخت مسکن کارکنان دانشگاه‌ها اختصاص یافت.

حسین سیمایی‌صراف اظهار کرد: برای حل مشکل کلی معیشت کارکنان دانشگاه‌های با سازمان اداری و استخدامی پیگیر این مشکل هستیم تا گره‌های قانونی این حل شود. وی گفت: بر اساس آخرین پیگیری‌های انجام شده با سازمان اداری و استخدامی قول مساعد داده شد تا مشکل معیشت کارکنان دانشگاه‌های کشور برطرف شود. وزیر علوم با اشاره به این مطلب که تأمین مسکن برای کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور از جمله دغدغه‌های جدی محسوب می‌شود، اظهار کرد: تاکنون ۷۰۰ هکتار زمین برای ساخت مسکن دانشگاهیان اختصاص یافت و این رویه ادامه خواهد داشت.

سیمایی‌صراف تصریح کرد: به همه رؤسای دانشگاه‌های کشور اعلام شد به سرعت برای اختصاص زمین جهت مسکن دانشگاهیان اقدام کنند تا از دانشگاه‌های دیگر عقب نباشند.

خبر

مدیرعامل اتوبوسرانی تهران خبر داد

ورود ۳۰۰ اتوبوس جدید به تهران تا پایان سال

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از تعهد دو شرکت داخلی برای تحویل ۳۰۰ دستگاه اتوبوس تا پایان سال خبر داد و گفت: با اضافه شدن و اجرای تعهدات این دو شرکت در سال آینده، این تعداد اتوبوس به ۵۰۰ دستگاه خواهد رسید.

مهدی علیزاده با اشاره به برنامه‌های توسعه خطوط اتوبوسرانی در پایتخت اظهار کرد: در حوزه توسعه خطوط، برنامه‌ریزی‌هایی در حال انجام است که ان‌شاءالله در صورت نهایی شدن مطالعات و دستیابی به نتیجه، پس از بررسی نقاط مختلف تهران در کمیته حمل‌ونقل، تصویب طرح و تأیید شهردار تهران، نسبت به اجرای آن اقدام خواهیم کرد. این موضوع در حال حاضر در مرحله مطالعه قرار دارد. وی با اشاره به آخرین وضعیت ورود اتوبوس‌های برقی به کشور افزود: دو دستگاه اتوبوس برقی ۲۶ متری و پنج دستگاه اتوبوس برقی ۱۸ متری ترخیص شده‌اند که قرار است هفته آینده وارد تهران شوند. علیزاده ادامه داد: شرکت‌های عقاب و اسنا نیز باید تا پایان سال تعدادی اتوبوس به شهرداری تهران تحویل دهند. براساس تعهدات، شرکت عقاب باید ۱۵۰ دستگاه اتوبوس و شرکت اسنا نیز ۱۵۰ دستگاه اتوبوس تحویل دهد که در مجموع ۳۰۰ دستگاه اتوبوس خواهد بود. مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با اشاره به برنامه شهرداری تهران برای تأمین اتوبوس در سال آینده خاطرنشان کرد: سال آینده نیز با اضافه شدن و اجرای تعهدات این دو شرکت، تعداد اتوبوس‌های تأمین‌شده به ۵۰۰ دستگاه خواهد رسید.

وی در پایان به ایسنا گفت: ۵۰ دستگاه اتوبوس برقی ۱۸ متری و ۷۵ دستگاه اتوبوس ۲۶ متری نیز آماده حمل به کشور هستند.



گزارش ۲

فرهاد قاسم‌پور*

«زیبایی‌شناختی» ساحت فراموش‌شده تربیت

وقتی ساحت «تربیت هنری و زیبایی‌شناختی» به حاشیه می‌رود

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت دانش‌آموزان را در شش ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیبایی‌شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناورانه تعریف کرده است. این شش ساحت، اجزای یک منظومه تربیتی هستند که تحقق متوازن آنها می‌تواند به پرورش انسانی برخوردار از ابعاد مختلف شخصیتی، فکری و فرهنگی بینجامد. با این حال، به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، یکی از این ساحت‌ها، یعنی تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، به‌تدریج جایگاه خود را به‌ویژه در فعالیت‌های فرهنگی پرورشی وزارت آموزش و پرورش از دست داده است.

در ساختار معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، اداره کلی با عنوان «فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی» عهده‌دار بخش مهمی از این مأموریت است، اما مرور برنامه‌ها و فعالیت‌های سال‌های اخیر این مجموعه، این پرسش را ایجاد کرده که سهم واقعی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در اولویت‌های آن چقدر است؟ به نظر می‌رسد بخش قابل‌توجهی از ظرفیت این حوزه به برنامه‌های و پویش‌های رسانه‌ای و فعالیت‌های سیاسی در فضای مجازی اختصاص یافته و در این میان، فعالیت‌های هنری و جریان پویای فرهنگی مدارس کمرنگ شده‌اند. شکی نیست که تربیت سیاسی، به‌ویژه در شرایط فعلی کشور، یکی از مأموریت‌های مهم نظام تعلیم و تربیت است، اما قرار نیست به بهانه توجه به این ساحت، سایر ساحت‌های تربیتی کمرنگ یا به فراموشی سپرده شوند. نمی‌توان تمام انرژی، ظرفیت و فعالیت‌های یک معاونت و اداره کل را به شکلی نامتوازن و کاریکاتوری بر یک ساحت متمرکز کرد و از مأموریت‌های دیگر غافل ماند. از سوی دیگر، تربیت سیاسی با پویش‌های سیاست‌زده، شعارهای تکراری و فعالیت‌های سطحی و دستوری محقق نمی‌شود. این فرایند به فعالیت‌هایی با محور آگاهی، تفکر انتقادی، گفت‌وگو و مشارکت خودخواسته و آگاهانه نیاز دارد و باید با شناخت دنیای نوجوانان، به‌صورت تدریجی، عمیق و به دور از شتاب‌زدگی و از سر اجبار دنبال شود.

در چنین شرایطی، توجه به تربیت هنری اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. هنر در مدرسه صرفاً به معنای برگزاری جشنواره، اجرای سرود یا نمایش و تولید چند اثر هنری که آن‌هم رنگ بوی سفارشی با موضوعات خاص دارد نیست. دانش‌آموز باید هم فرصت کشف و پرورش استعدادهای خود و تجربه آفرینندگی داشته باشد و هم با آثار شاخص هنری ایران و جهان و زندگی و اندیشه هنرمندان بزرگ آشنا شود. شناخت مفاهیم و زمینه‌های شکل‌گیری آثار، کشف راز و رمزها و لایه‌های پنهان معنایی آنها و پرورش قدرت درک و التذاذ هنری، بخش مهمی از تربیت زیبایی‌شناختی است. به بیان دیگر، تربیت هنری هم ایجاد زمینه شناسایی استعدادها و پرورش هنرمند است که بار اصلی آن بر دوش فعالیت‌های فرهنگی معاونت پرورشی است و هم پرورش مخاطب آگاه و برخوردار از ذوق و درک هنری که مفاهیم اصلی آن در دروس هنر و ادبیات مدرسه نهفته است.



جشنواره فرهنگی هنری فردا با بیش از چهار دهه سابقه، یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق این هدف و از سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی آموزش و پرورش است. بسیاری از هنرمندان مطرح و نام‌آور امروز در عرصه فرهنگ و هنر، همان دانش‌آموزان دیروزی هستند که نخستین بار در همین جشنواره استعدادهایشان دیده شد، به آن بها داده شد و مسیر زندگی‌شان به سوی فرهنگ و هنر هدایت شد. این جشنواره را باید فراتر از یک فعالیت سالانه و به‌مثابه یک میراث فرهنگی ناملموس پاس داشت. ارزش واقعی جشنواره زمانی آشکار می‌شود که شور و نشاط آن از مرحله مدرسه به مراحل بالاتر سرایت کند و زمینه حضور و هنرنمایی دانش‌آموزان در سطوح منطقه و استان و کشوری فراهم شود.

سرنوشت جشنواره معلمان هنرمند نیز قابل تأمل است. این جشنواره در دی‌ماه ۱۳۹۹، با حمایت علیرضا کاظمی و در دوره مسئولیت ایشان در معاونت پرورشی و فرهنگی شکل گرفت و دو دوره با میزبانی استان فارس برگزار شد. رویدادی که می‌توانست زمینه‌ساز شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های هنری معلمان در فعالیت‌های فرهنگی هنری آموزش و پرورش و تبدیل آنان به الگوهای فرهنگی و تربیتی در مدارس باشد، در سال‌های بعد از استمرار و پویایی مورد انتظار فاصله گرفت و برای بسیاری از فرهنگیان به خاطره‌ای از یک تجربه ارزشمند تبدیل شد.

این وضعیت در حالی است که وزیر آموزش و پرورش نیز در ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ با تأکید بر جایگاه هنر در تربیت گفته بود: «در مجموع معتقدیم که تربیت بدون هنر معنا ندارد.» چنین نگاهی، به‌ویژه از سوی وزیری که در دوران مسئولیتش در معاونت پرورشی از شکل‌گیری جشنواره معلمان هنرمند و برگزاری جشنواره‌های بزرگ و ملی دانش‌آموزی حمایت کرده است، می‌تواند پشتوانه مهمی برای احیای فعالیت‌های فرهنگی و هنری باشد. اکنون انتظار می‌رود این باور در سیاست‌گذاری و عملکرد مجموعه‌های مسئول نیز نمود پیدا کند. آنچه امروز ضرورت دارد، بازگشت هنر به متن زندگی مدرسه است، البته نه در قالب چند برنامه مناسبتی و مسابقه مقطعی، بلکه با ایجاد فرصت‌های مستمر برای تجربه هنر، کشف استعدادها، آشنایی با میراث هنری ایران و جهان و پرورش ذوق و درک زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان.

جشنواره فردا باید دوباره به جریان زنده هنری مدارس و وزارت آموزش و پرورش تبدیل شود، جشنواره معلمان هنرمند تداوم یابد و اداره کل فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی، همه ابعاد مأموریت خود را با نگاهی متوازن دنبال کند. مدرسه‌ای که در آن دانش‌آموز فقط شنونده و مخاطب برنامه‌هاست، اما فرصتی برای آفریدن، تجربه کردن و هنرنمایی ندارد، نمی‌تواند مدعی تحقق تربیت تمام‌ساحتی باشد. هنر باید در مدرسه زندگی کند، زیرا تربیت بدون پرورش ذوق، خلاقیت و درک زیبایی، تربیتی ناتمام خواهد بود.

* معاون اسبق اداره فرهنگی و هنری وزارت آموزش و پرورش